

www.ketab.ir

آیدین آغداشلو
برگزیده نقاشی‌ها



انتشارات کتاب آبان

انتشارات دید

سرشناسه: آغداشلو، آیدین، ۱۳۱۹
عنوان و نام پدیدآور: برگزیده نقاشیها (دو زبانه)
آیدین آغداشلو: ترجمه انگلیسی سهراب مهدوی
مشخصات نشر: تهران: کتاب آبان، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۴۰ ص. - مصور (رنگی). - ۲۹۰×۲۲۰ م. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۲۱-۰۰
وضعیت فهرست نویسی: قید
یادداشت: انگلیسی-فارسی
موضوع: آغداشلو، آیدین، ۱۳۱۹-
موضوع: نقاشی های ایرانی-- قرن ۱۴
شماره افزوده: مهدوی، سهراب، ۱۳۴۲، مترجم
رده بندی کنگره: ۴ ۱۳۹۳ ND ۹۸۷
رده بندی دیویی: ۷۵۹/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۴۸۷۹۱

طراحی گرافیک: استودیو شاهی - پازل، مولیر
عکس: سعید بهروزی، مجید پنهانجو و داود صادقی سا
پرتره: سهراب مقدسیان
ترجمه انگلیسی: سهراب مهدوی
لینوگرافی و چاپ: چاپ اسکویی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چهارم، تیرماه ۱۳۹۳

اگر هنر نتواند امر نو و عتیق را توأمان در خود بیابد، بشکست خود را از دایره‌ی پیام‌آوران الهام محروم کرده است. چرا که آنها دختران خاطره‌اند. و خاطره بی‌آن‌که بماند، بی‌حال و گذشته برقرار کرده باشد محال است.

و پُرشمار نیستند آنها که هدایایی چنین را از خود دریغ نکرده باشند. و کم‌شمارند آنها که می‌دانند تاریخ پسی افزون بر امری تقویمی است و از آن بر می‌گذرد و چنان به فرهنگ شکل می‌دهد که سرانجام به اهرمی کارآمد و ابزاری ضروری مبدل می‌شود و در ساخت زیست‌جهان انسان معنا ساز جهان می‌گردد.

و گمان من این است که دست‌کم در سپهر فرهنگی ما که از قرار، آنچه در آن تداول دارد، به دعوت به نسیان است شمار آنها که نصیبی از هدایا دارند باید به اقل میزان میل کند.

و شاید آیدین آغداشلو یکی از تکرورترین و در عین حال پرنفوذترین آن اقلیت باشد. که دست‌کم و به گواه کارنامه‌اش هیچ سر آن نداشته تا تن به الگوی اکثریت و قاعده‌ی فرهنگ فرودست و نسیان‌زده بسپارد.

گوستاو فلوبر زمانی گفت «مادام بواری خود من است». شاید سخن فلوبر را بتوان به این معنا گسترش و تعمیم داد که کردار هنرمند اغلب بازتاب و ترسیم سیمایی از خویشتن است؛ همان‌طور که آغداشلو هم عنوان نقاشی در قدیمی و پُر از خط و جراحی را گذاشته است تک‌چهره‌ی نقاش در چهل‌وهشت سالگی. خویشتن به نمایش درآمده در کار آغداشلو اما همواره خویشتنی تاریخی است و انسان را در گستره و چشم‌اندازی معنا دار توضیح می‌دهد.

افزون بر این می‌توان گفت و دانست که آن فهم تاریخی در کار آغداشلو بهره‌مند از ریتوریک خطاب‌گر و طعنه‌زن و تندزبانی است که بیانی جالاک و منضبط را به کار می‌برد و هم از این رهگذر است که می‌توانم ادعا کنم دستکارهای او در نظر من فصیح‌ترین لهجی تجسمی در هنر امروز ایران است؛ فصاحتی که شاید

آن را از سخن‌سرای محبوب‌اش به‌عنوان موهبت باشد. دفورماسیون موگد و به کارگیری مصرانه از عنصر تکرار در فرم‌های دکوراتیو، وجوهی آهنکین را به‌کار آورده‌اند و منجر به ساخت بیانی مسجع شده‌اند؛ سجویی که در ادامه و به ناگزیر نوعی رهیافت فن‌شناختی بهره را هم طلب می‌کند.

و اهل فن بی‌شک می‌دانند که یک چم قلم‌مو چطور به‌جای برق هوش را برملا کند و این اشاره را تنها برای آنها می‌نویسم تا یک نوبت دیگر یادآور شده باشم که دردی ذائقه و پسند پرورده شرط این حرفه است. و چندان سخت نخواهد بود برای ما اعتراف به این که او به تنها شرط نرم، که شرط کافی را هم برآورده است.

هنر در بسیاری از فرازهای خود نمایشی از پیکار اروس علیه تاناتوس بوده است. نمایشی از نبردی همیشگی و نابرابر. پاره‌ی غالب آثار آغداشلو هم از همین مضمون می‌گوید و آن را به‌شمارش می‌گذارد. این وجه تماتیک در آثار متأخر او اما صورتی معمایی‌تر به خود می‌گیرد و وجوهی پارودیک را به‌کار می‌گیرد. زیبایی‌های زیباشناختی در می‌آمیزد.

آنچه به نمایش درمی‌آید همان است که آن را با عنوان زیبایی تراژیک می‌شناسیم. زیبایی گریزپا و محکوم به تناهی و مرگ. همان که تاریخ قصه‌های فراوانی را از آن روایت کرده است.

زیبایی ایستاده بر کرانه‌ی تاریخ. همان که دختران خاطره الهام‌بخش و پیام‌آورش بوده‌اند.

بابک روشنی‌نژاد
شهریور ۱۳۹۳